

عوامل مؤثر بر حق دسترسی شهروندان به اطلاعات در حکومت‌های محلی: مطالعه‌ای در شهر مشهد

دکتر غلامرضا کاظمیان^۱

دکتر وجه‌الله قربانی‌زاده^۲

سید حامد رستگار^۳

چکیده

حکمرانی خوب به عنوان روشی پذیرفته شده در اداره امور عمومی و دولتی، نیازمند وجود شفافیت و پاسخگویی است. حق دسترسی به اطلاعات نیز مفهومی است که پشتوانه اصلی شفافیت به شمار می‌آید. از این رو پرداختن به این مسئله از دغدغه‌هایی است که در اکثر کشورهای در حال توسعه به آن توجهی ویژه شده است.

در پژوهشی که مقاله پیش رو از آن استخراج شده است به منظور تعیین نگرشها و ذهنیات مدیران شهری، چه در مرحله جمع‌آوری داده‌ها و چه در مرحله تجزیه و تحلیل، از روشهای کیفی استفاده شد. بدین ترتیب مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل محتوا (تحلیل ارزیابی) برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها انجام گردید. در این پژوهش ۶ ایستار اصلی درباره چرایی عدم دسترسی شهروندان به اطلاعات در اختیار نهاد مدیریت شهری مشهد مورد پرسش واقع شد و در کنار مصاحبه‌ها و تحلیل محتوا و تفسیر، از مقایسه زوجی و مشاهده جهت تطبیق و تدقیق نتایج استفاده شده است.

آنچه از انجام پژوهش حاصل آمد آن بود که از دید مدیران شهری مشهد، شهروندان در عین آن که نیاز به اطلاعات دارند، تلاش چندانی برای به دست آوردن آن انجام نداده‌اند و وجود هزینه و نامالایمات مانع تقاضای آنها برای اطلاعات شده است. همچنین مسئولین شهری در مشهد نتوانسته‌اند اندیشه و تفکر و ذهنیت خود را درباره موضوع دسترسی شهروندان به اطلاعات به درستی پیاده کنند و اندیشه آنان در ترتیبات نهاد مدیریت شهری در مشهد نمود عینی نداشته و در عین حال ساز و کارهای قانونی مدونی هم برای نگاهبانی از این حق شهروندان (دسترسی به اطلاعات) وجود ندارد.

واژگان کلیدی: حق دسترسی به اطلاعات، حکمرانی خوب شهری، مشهد

مقدمه

در دهه‌های گذشته استفاده از الگوهای یکسان و تک نسخه‌ای در توسعه شهری نتوانست منجر به توسعه پایدار و موزون شود. حکمرانی خوب شهری و مؤلفه‌هایش از جمله مواردی هستند که با مفهوم توسعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عجین شده و از دغدغه‌های اصلی شهرهای امروزی به شمار می‌روند. حکمرانی خوب و شفافیت به عنوان یکی از اصول آن، راهکار اصلی توسعه شهری به شمار آمده و ابزاری در جهت افزایش سطح کیفی زندگی شهروندان تلقی می‌شود. در سالیان اخیر توجه فراوانی در بیانیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به این موضوع گردیده است و سبب شده تا فحوای خاص آن و تعهدات مثبتی که بر دوش دول می‌گذارد مورد بحث و بررسی واقع شود. طی سالیان گذشته و با تغییرات وسیع در عرصه‌های سیاسی و مدیریتی، حکمرانی خوب به عنوان پارادایم حاکم، عامل پیشبرد قوانین مرتبط با دسترسی آزادانه به اطلاعات شد.

تقویت رابطه با شهروندان مقوله ایست که یک حرکت اساسی در بهبود سیاستگذاری قلمداد می‌شود و عنصر اصلی در حکمرانی خوب است. همچنین به حکومت اجازه می‌دهد تا همه منابع در هنگام تصمیم‌گیری، از جمله منابع جدید ناشی از تحکیم روابط با شهروندان را در خدمت گیرد. از سوی دیگر و به همین اندازه در ایجاد اعتماد عمومی نسبت به دولت نقش مثبت ایفا می‌نماید و سبب بهبود مردمسالاری و تقویت ظرفیتهای مدنی می‌شود. حکومت‌های محلی بهتر از دولتهای ملی قادرند تا عمل و درک خود را با نیازهای شهروندان منطبق سازند. حوزه عمل آنها نیز برای مقابله با فساد بیشتر است چرا که می‌توانند تعداد معینی از ذینفعان را تحت یک راهبرد واحد برای افزایش شفافیت و مقابله با فساد بسیج کنند. موفقیت حکومت‌های محلی می‌تواند به عنوان مبنایی برای اجرای اصلاحات وسیعتر در سطح ملی قرار گیرد. دولت محلی نقش مهم و برجسته‌ای در مدیریت این فرآیند بازی می‌کند که اگر در اجرای آن موفق باشد، مشارکت شهروندی مستمر را در پی خود خواهد داشت.

تنها از طریق امکان دسترسی شهروندان به اطلاعات است که نظارت عمومی و عملی میسر می‌گردد. بالطبع سازمان‌ها و نهادها باید در قبال اطلاعات منتشره پاسخگو باشند. باید دقت کرد که منظور از شفافیت نه فقط شفافیت مالی و ارائه اطلاعات درباره هزینه‌ها و پرداختها و غیره است بلکه در برگیرنده هر نوع اطلاعاتی است که مردم حق دارند بدانند و تضمین کننده منافع آنها در فرآیند تعامل با حکومت - ملی یا محلی - است. دانستن، به خودی خود علاوه بر اینکه اعتماد عمومی را بالا می‌برد سبب تقویت رابطه مردم با نهادهای حکومتی و کمک به ایفای بهتر نقش شهروندان می‌شود. علاوه بر این، متضمن اجرای صحیح قوانین نیز هست. بنابراین در جهت نیل به حکمرانی خوب شهری به عنوان یک ایده آل، دسترسی به اطلاعات و حق مردم در برخورداری از آن بایستی مطرح نظر قرار گیرد چرا که علاوه بر شفافیت، عنصر لاینفک پاسخگویی هم می‌باشد.

مشهد نیز به عنوان دومین شهر بزرگ ایران با مسئله عدم شفافیت روبروست. اظهارنظرهای شهروندان در رسانه‌های مختلف به خوبی بیانگر عدم آگاهی مردم از قوانین و مقررات، حقوق خود و حتی شرح وظایف شهرداری است^۱. دید منفی غالب نسبت به شهرداری در سطح مشهد که به

۱ - بررسی ستون «سخن مردم» روزنامه خراسان به عنوان یک روزنامه محلی در دوره‌های چند ماهه حکایت از آگاهی نسبتاً اندک برخی شهروندان از وظایف و اختیارات شهرداری‌ها داشت.

راحتی قابل تشخیص است، یکی از عوارض مشخص نبود شفافیت و دسترسی شهروندان به اطلاعات می‌باشد. در جوامع جهان سوم همواره حق مردم در دانستن پایمال شده و کمتر دولتی به آن اهتمام ورزیده است. مردم حق دارند «بدانند» و از اطلاعات مورد نیاز خود بهره‌مند باشند تا در امور روزمره و نیز اجرای تکالیف خود موفق عمل کنند. بخش عمده‌ای از مشکلات و نارسایی‌های موجود در سیستم اجرایی کشور ناشی از این است که مردم از حقوق و وظایف خود بی‌اطلاعند. اگر آنها به عنوان ذینفعان اصلی جامعه از اطلاعات مورد نیاز برخوردار باشند بخش عظیمی از هزینه‌های دولت کاسته می‌گردد. مطلع بودن شهروندان سبب ایجاد حس تعلق و همکاری می‌گردد. مردمی که "می‌دانند" هزینه کمتری را بر دوش دولت می‌گذارند و با آغوش باز پذیرای اجرای قوانین و اعمال مقررات می‌گردند. همچنین بروز تخلفات کاهش می‌یابد و با افزایش سطح آگاهی‌های عمومی راجع به حقوق خود، امکان هر چه بهتر پیاده شدن قانون نیز فراهم خواهد شد.

در کشور ما عدم دسترسی کامل به اطلاعات، همه ساله موجب اتلاف سرمایه‌های هنگفتی می‌شود. بخشی از این هزینه‌ها به صورت مستقیم - که نمود آن آمد و شده‌های بی‌حاصل در سطح شهر و اتلاف زمان و ایجاد ترافیک است- و بخش دیگری از آن به صورت غیر مستقیم و از طریق کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد میان کنشگران از میان می‌رود. مشهد نیز ناگزیر از حرکت به سمتی است که استفاده کارآمد از زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی تهیه شده برای ارتباط میان شهروندان و مسئولین محلی در سرلوحه امور آن قرار گیرد. پر واضح است که در این میان تبیین و بررسی حق شهروندان در دسترسی به اطلاعات لازم و ضروری می‌نماید. علاوه بر آن حضور سالانه چندین میلیون زائر سبب می‌گردد تا دسترسی به اطلاعات جنبه‌ای فرا شهری یافته و پاسخی به نیازهای اساسی این کلان شهر تلقی شود. مسلماً تجهیز زائران و مجاوران به اطلاعات یکی از بهترین ابزارها برای رفع مشکلات نهاد مدیریت شهری در مشهد است. از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که تحقق اهداف پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز مشهد نیز تنها با در دسترس قرار دادن اطلاعاتی که در اختیار نهاد مدیریت شهری است محقق می‌شود. تبدیل مشهد به شهری که عمده تولید ناخالص آن مربوط به فعالیتهای دانش بنیان است، تنها از رهگذر آگاهی بخشی به شهروندان میسر می‌گردد و دسترسی شهروندان به اطلاعات، زیرساخت اصلی خدمات برتر تلقی می‌شود.

مفهوم حق دسترسی به اطلاعات را می‌توان به دو زیر مجموعه تقسیم نمود که در بردارنده خواست و اراده شهروندان و رویکرد مسئولین است. در هر یک از این دو زیرمجموعه ابعادی وجود دارد که می‌توان از نیاز و تقاضای شهروندان و عملکرد مسئولین که متشکل از اعتماد آنها به شهروندان، پذیرش حق دسترسی به اطلاعات و داشتن دید مثبت به این مقوله است، نام برد. متعاقباً در هر یک از ابعاد فوق‌الذکر شاخصهایی تعریف شده‌اند که در قسمت مربوط به چارچوب نظری پژوهش مفصلاً به آنها پرداخته شده است.

در مقاله پیش رو پس از تشریح موضوع پژوهش و ضرورت و چرایی انجام تحقیق، در قسمت مربوط به مبانی نظری، تعاریفی کوتاه از واژگان و مفاهیم و ارتباط میان این مفاهیم و آرا و نظریات مرتبط ارائه می‌شود. در ادامه چارچوب

نظری و مفهومی تحقیق تشریح می‌شود. در قسمت بعدی روش پژوهش و ویژگیهای آن بیان می‌گردند که شامل مسائلی چون فلسفه پژوهش، سؤالات پژوهش، روشهای گردآوری و تحلیل داده‌ها و سایر ویژگیهای تحقیق است. در نهایت نیز یافته‌ها و نتایج حاصل از پژوهش در اختیار خواننده قرار داده خواهد شد.

۲- مبانی نظری پژوهش

پیش از بررسی مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش، نگاهی به خاستگاه فکری آنها ضروری است. مفهوم حکمرانی برخاسته از دیدگاههای مبتنی بر تکثرگرایی^۱ است که بر تکثیر منابع و گروههای قدرت اشعار دارند. حکمرانی به معنای تأکید بر بی‌طرفی دولت در میان منازعات میان اقدار و طبقات مختلف است و فرآیندی است که در آن همه مردم سهمی مساوی دارند^۲. شفافیت و دسترسی به اطلاعات نیز از این منظر بایستی تحلیل شوند. وجود شفافیت به معنای تسهیل اعمال خودکنترلی است و امکان ایجاد شرایط برابر میان همه گروههای ذینفع را فراهم می‌آورد.

۲-۱- حکمرانی خوب

از نظر برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی عبارتست از ((استفاده از اختیارات قانونی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مدیریتی برای اداره امور کشور در همه سطوح آن. حکمرانی در بر گیرنده سازو کارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان منافع خود را مطالبه می‌نمایند، حقوق قانونی خود را می‌طلبند و اختلافات خود را حل و فصل می‌نمایند.)) (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷ صص ۲-۳)

بنا بر این تعریف حکومت با حکمرانی تفاوت دارد. حکمرانی به عنوان یک مفهوم به وجود قدرت در داخل و خارج از چارچوب رسمی اختیارات قانونی و نهادهای دولتی اذعان دارد. در بسیاری از دسته بندیها حکمرانی شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. از دیدگاه کمیسیون اقتصادی اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل متحد^۳ حکمرانی خوب دارای ۸ مؤلفه اصلی است که شفافیت از جمله آنها به حساب می‌آید. حکمرانی خوب در حکم محور اصلی فعالیتهایی است که در جهت افزایش مصالح عامه جامعه صورت می‌پذیرند.

((حکمرانی شهری مجموعه‌ای از افراد، نهادها، بخش عمومی و خصوصی است که امور شهر را برنامه‌ریزی کرده و اداره می‌نمایند. در واقع فرآیندی مستمر از تطبیق و همسو سازی منافع متضاد و متفاوت افراد و گروههاست. این فرآیند شامل نهادهای رسمی و غیر رسمی و نیز سرمایه اجتماعی شهروندان است. حکمرانی شهری پیوندی ناگسستنی با رفاه شهروندان دارد. حکمرانی خوب شهری باید شهروندان را در دسترسی به مزایای شهروندی یاری رساند.)) (کمیته اسکان بشر ملل متحد، ۲۰۰۰ ص ۸)

۱ - pluralism

۲ - نیکولاس پولاتراس و رالف میلیند از مخالفان سرسخت وجود پلورالیسم در عرصه حکومت هستند و اعتقاد دارند در عمل

چنین چیزی وجود ندارد؛ گرچه این دو نفر نیز بر سر جایگاه دولت و ارتباط آن با منافع طبقات مسلط، مناقشات فراوان داشته‌اند.

3 - United Nations Economic and Social Commission for Asia and The Pacific

4 - UN-HABITAT

۲-۲- شفافیت

شفافیت به عنوان یکی از اصول حکمرانی خوب به حساب می‌آید. دسترسی به اطلاعات خودیکی از استراتژیهای اصلی برای دستیابی و رسیدن به شفافیت است (کمیته اسکان بشر ملل متحد، ۲۰۰۰ ص ۱۲ و شفافیت بین‌الملل با همکاری کمیته اسکان بشر ملل متحد، ۲۰۰۴ ص ۱). بنابر نظر برنامه توسعه سازمان ملل، شفافیت به معنای ((تقسیم اطلاعات و عملکرد باز و عیان)) است. علاوه بر آن:

((شفافیت به ذینفعان اجازه می‌دهد تا اطلاعات مهمی را که می‌تواند مانع از سوء استفاده دیگران و یا تضییع منافع آنها شود جمع‌آوری کنند. سیستمهای شفاف دارای روشهای معین و مشخصی برای تصمیم‌گیری به کمک عقل جمعی و مسیرهای ارتباطی میان ذینفعان و اولیاء امور هستند (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷ ص ۳۶).

شفافیت به منزله انتشار به موقع و قابل اطمینان اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که باید در اختیار ذینفعان قرار گیرند. دسترسی آزاد به اطلاعات نقش مهمی در پیشبرد شفافیت بازی می‌کند. اطلاعات ارائه شده نیز باید به موقع، متناسب با موضوع درخواست، دقیق و کامل باشد تا به نحو مؤثری مورد استفاده قرار گیرد.

شفافیت به روش مستقیمتری بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است. مسؤولیت‌پذیری عامل کلیدی در جلب موفقیت آمیز مشارکت شهروندان و بخش خصوصی در پروژه‌های توسعه شهری و تجدید حیات شهر به حساب می‌آید. آن دسته از دولتهای محلی که ارزیابی‌های اولیه و برنامه‌های خود را با شهروندان شریک می‌شوند و از نظرات آنها به صورت مستمر بهره می‌جویند، در اجرای برنامه‌های توسعه با مشارکت ذینفعان محلی اثربخش‌تر عمل می‌کنند. بنابراین شفافیت می‌تواند در تأیید نقش تغییر یافته دولت از یک تأمین‌کننده و کنترل‌کننده کالاها و خدمات شهری، به یک توانمند ساز و تسهیل‌کننده دسترسی، از طریق تشویق مشارکت فعال بخش خصوصی و جامعه مدنی در امور عمومی و دولتی کمک نماید. برخی بررسیها نشان می‌دهد ناآگاهی شهروندان از حق خود مبنی بر در اختیار داشتن اطلاعات سبب می‌شود تا تقاضای آنها شکل نگیرد یا اینکه تقاضا به طریق درستی مطرح نشده و شامل درخواستهایی فراقانونی باشد که به عدم اعتماد مسؤولین به شهروندان و تغییر نگرش ایشان به موضوع دسترسی آزادانه به اطلاعات دامن خواهد زد. مقاومت مقامات دولتی نیز می‌تواند عامل مؤثری در عدم دسترسی شهروندان به اطلاعات باشد. بدین ترتیب نبود دید مثبت در میان مقامات و بی‌اعتمادی آنها به شهروندان تحت عنوان حفظ اسرار دولتی و حرکت در جهت منافع دولت با وجدانی آسوده صورت خواهد پذیرفت.

۲-۳- حق دسترسی به اطلاعات و شفافیت

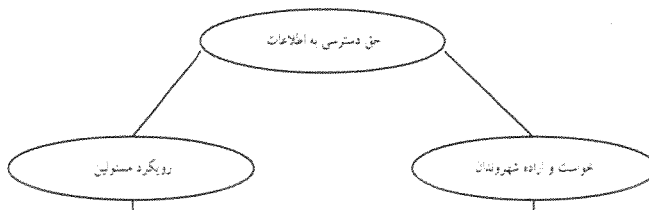
حق شهروندان در دانستن اینکه دولت، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای خصوصی چه می‌کنند و اینکه منابع دولتی چگونه تخصیص داده می‌شوند، مستقیماً بر دغدغه‌ها و نگرانیهای ناشی از فساد و نبود شفافیت مؤثر است. در حکومتهای محلی که امانتدار منافع شهروندان هستند، برتری نسبی در حرکت به سوی حکمرانی خوب، از طریق مبارزه با فساد به کمک ایجاد ارتباط نزدیک با

شهروندان است (شفافیت بین الملل، ۲۰۰۴ ص ۱۶). بنابراین نیاز شهروندان به اطلاعات امری دوطرفه است، به این معنا که هم شهروند بایستی نیاز به اطلاعات را حس کند و هم مقامات باید بر وجود چنین نیازی اذعان داشته باشند. برای خدمت رسانی به مردم ابتدا باید نیازها و افق فکری آنها را در نظر گرفت و سپس اقدام نمود. در واقع چه بسیار افرادی که تمایلی به دانستن ندارند و خود را بی نیاز از اطلاعات دانسته و رغبتی برای مشارکت در فعالیتهای انجام گرفته توسط دولت ندارند. (UN DESA DPADM, ۲۰۰۴, p.۵)

قانون گذاری صحیح و مناسب هم برای تضمین دسترسی به اطلاعات بسیار مهم است. در حال حاضر اجماع روزافزونی میان دولتها مبنی بر تصویب قوانین آزادی اطلاعات بوجود آمده که فعالیتهای انجام گرفته در کشورهای مختلف، حتی آنهایی که چندان تمایل به انجام چنین کاری نداشته اند بیانگر این موضوع است (شفافیت بین الملل، ۲۰۰۴ ص ۶۱).

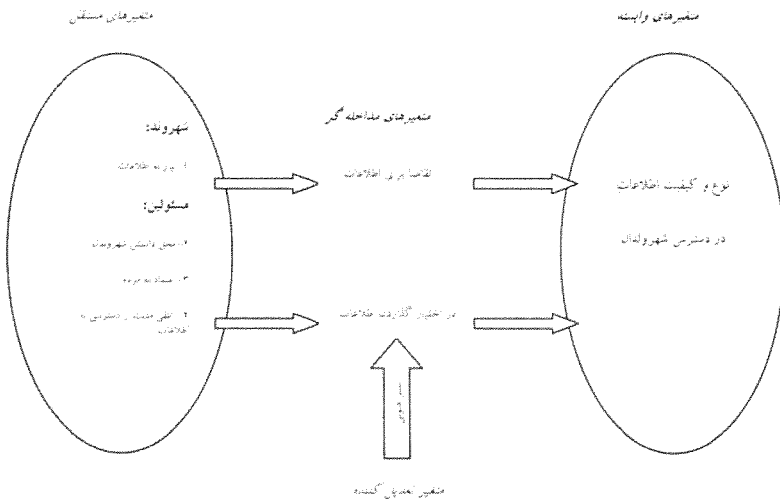
۲-۴- چارچوب نظری پژوهش

می توان با تعریف دو جزء در مفهوم حق دسترسی مدلی برای پژوهش ارائه نمود. در واقع وجود حق مبین حضور صاحبان حق نیز هست. هر جا صحبت از حق می شود، صاحب حق نیز به دنبال آن خواهد آمد. پس در حقیقت حق دسترسی به اطلاعات رابطه ای است میان کسانی که حق دارا بودن اطلاعات را دارند، کسانی که اطلاعات را در اختیار دارند و قانون به عنوان مسیر و مجرای ارتباطی بین این دو. بر این اساس متغیرهایی که در این پژوهش انتخاب شده اند را می توان با تفکیک کنشگران به دو بخش عمده شناسایی نمود (شکل ۱). دسته اول متغیرها که مستقل هستند در هر دو طرف شکل می گیرند. احساس نیاز، حق دسترسی، اعتماد به مردم، تلقی مثبت از دسترسی و اعتقاد به حق دسترسی متغیرهای مستقل هستند که بخشی در سوی شهروندان و برخی در سوی مسئولین وجود دارند.



شکل ۱ کنشگران و ارتباط آنها

دومین دسته از متغیرها، متغیرهای مداخله‌گر می‌باشند و دربردارنده تقاضا برای اطلاعات در سمت شهروندان و در اختیار گذاری اطلاعات توسط مسئولین است. در واقع شهروند پس از آنکه اطلاعات را حق خود تلقی کرده و به آن احساس نیاز کرد، اقدام به تقاضای اطلاعات می‌کند. پس تقاضا برای اطلاعات در طول دو متغیر دیگر قرار گرفته و مداخله‌گر است (شکل ۲). درباره در اختیار گذاری اطلاعات توسط مسئولین نیز شرایط مشابهی حاکم است. مسئولان پیش از آنکه در رابطه با واگذاری اطلاعات در اختیار زیر مجموعه خود به شهروندان اقدامی عملی صورت دهند، باید شهروندان را ذیحق دریافت اطلاعات بدانند. در حقیقت مسئولین بایستی به حق شهروندان در برخورداری از اطلاعات در اختیار نهاد مدیریت شهری اعتقاد داشته باشند. این اعتقاد به حق شهروندان اگر با اعتماد به آنها و تلقی مثبت از دسترسی همراه نگردد به واگذاری اطلاعات منتهی نخواهد گردید.



شکل ۲ متغیرها و چارچوب نظری تحقیق

مسئولان باید به شهروند اعتماد کرده و اطمینان داشته باشند که از اطلاعاتی که در دسترس آنان قرار می‌گیرد سوء استفاده نخواهند کرد. علاوه بر آن، باید دسترسی شهروندان به اطلاعات را ماهیتاً پدید آمده‌ای مثبت قلمداد و آن را دارای منافع و مزایا بدانند. بدین ترتیب این سه در طول متغیر چهارم که همان در اختیار گذاری اطلاعات است قرار می‌گیرند و ناگزیر این متغیر چهارم مداخله‌گر است.

در این میان متغیر دیگری نیز وجود دارد که بر شدت و ضعف این فرآیند تأثیر گذار خواهد بود و آن قانون است. وجود بسترهای قانونی مناسب و لازم این امکان را به شهروند می‌دهد تا پی‌گیری

حقوق حقه خود باشد و بر عکس، نبود محمل قانونی و یا قوانین ناکارآمد و ناقص این امکان را به مسئولین می‌دهد تا از پاسخگویی به درخواستهای شهروندان طفره روند. از این روست که قانون به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در این پژوهش معرفی شده است.

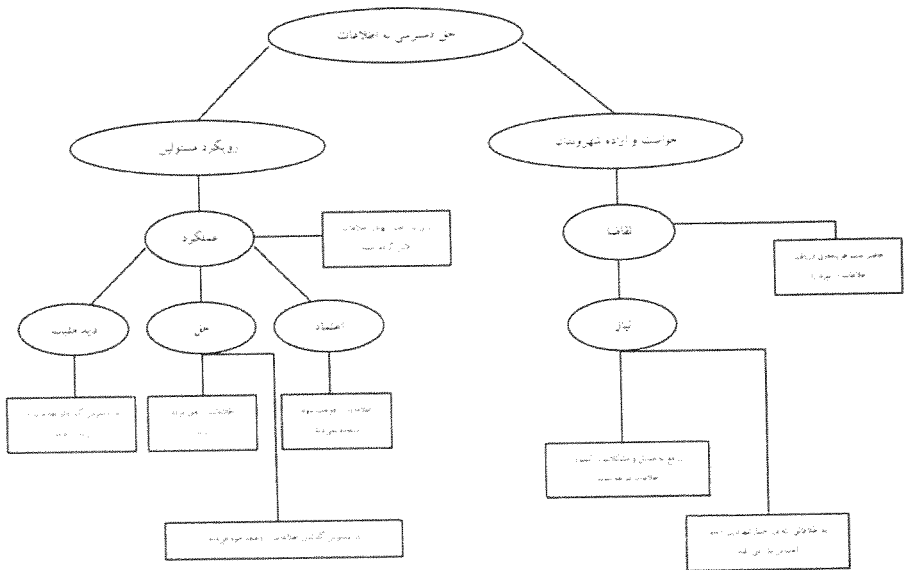
ذیحقان اطلاعات را می‌توان به دو دسته عام تقسیم نمود: مردمان عادی که برای پیشبرد امور روزمره از اطلاعات در اختیار دولت استفاده می‌کنند و بخش خصوصی و غیردولتی که عموماً در پی کسب منفعت هر چه بیشتر در صدد کسب اطلاعات است و حتی بعضاً از رانت اطلاعاتی نیز بهره می‌برد. در این پژوهش بخش خصوصی به علت ایجاد رویکرد منفی در میان مسئولین در هنگام در اختیار قرار دهی اطلاعات و فراهم آوردن توجیحات غیر قانونی ایشان در عدم دسترسی دیگر شهروندان به اطلاعات، کنار گذاشته می‌شوند تا جهت گیری تحقیق شفاف و بدون خدشه باشد.

در حقیقت نیاز بخش خصوصی و کسب و کار به اطلاعات تفاوت ماهوی با نیاز شهروندان عادی دارد و از این رو بررسی رویکردها و دیدگاههای دولتمردان عرصه‌های محلی به این مقوله نیازمند بهره‌گیری از پارامترهای دیگری غیر از آنچه در این پژوهش مدنظر است خواهد بود.

قدم اول در تدوین مدل تحقیق از سمت شهروندان برداشته می‌شود. خواست و اراده شهروند مبتنی بر دسترسی داشتن به اطلاعات نقطه شروعی بر فرآیند تحقیق می‌تواند باشد. ریشه و خاستگاه خواست و اراده شهروندان، پیش از هر چیز نیاز آنان به اطلاعات است. این نیاز است که در نهایت تبدیل به خواست و اراده می‌شود. اما تنها احساس نیاز کافی نیست، بلکه این نیاز باید جنبه عینی پیدا کند، نیازی که در قالب تقاضا برای اطلاعات می‌توان آن را عینیت بخشید. پر واضح است که این جنبه عینی برای شهروندان هزینه (اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی) خواهد داشت و این امکان وجود دارد بسیاری از شهروندان علیرغم نیاز به اطلاعات به علت وجود چنین هزینه‌هایی از حق خود چشم‌پوشی کنند.

گام دوم رویکرد مدیران در مقام صاحبان اطلاعات است. اعتقاد به حق دسترسی مردم به اطلاعات مهمترین عنصری است که می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. پس نیاز است که با شیوه مطلوب این نگرش را سنجید و به این نتیجه رسید که آیا مدیران تا چه حد به وجود این حق اعتقاد دارند. اعتقاد به حق دسترسی منجر به تلقی و نگاه مثبت به آن خواهد شد و دسترسی به اطلاعات امری مطلوب تلقی خواهد گردید و مزایایی را به عنوان کاهنده پاره‌ای از مشکلات حوزه شهری به همراه خواهد داشت.

اما مهم آن است که آیا مدیران نیز در کنار اعتقاد به حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، آن را مثبت می‌شمارند و یا به دلایل مختلف از تبعات و آثار و پیامدهای آن نگرانند؟ نگرش مثبت به در اختیار قراردادی اطلاعات در میان مسئولین به همراه اعتماد کافی به شهروندان می‌بایست منجر به پی‌ریزی خط مشیها و رویه‌های تسهیل‌کننده دسترسی باشد. اعتماد به شهروندان در حکم مکملی است که به مدیران این آرامش را میدهد که با اعتقاد به حق دسترسی به اطلاعات و تلقی مثبت از آن، راهکارهای عملی مربوطه را اتخاذ کنند. همه این موارد بیانگر نگرش مسئولین به این مقوله خواهد بود. در ادامه مدل ارتباطی این مفاهیم، ابعاد و مؤلفه‌های آنها در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳ مدل مفهومی تحقیق

۳- روش و ابزار پژوهش

روش پژوهش کیفی مفهومی است که در برابر پژوهش کمی قرار می‌گیرد، چه روش تحقیق و پژوهش به عنوان یک مقوله علمی، پس از آغاز دوران روشنگری شکل گرفت و به همین دلیل در ابتدا متأثر از تجربه گرایی و اثبات گرایی شد و بالطبع جنبه عینی و تکیه بر کمیّت وجه غالب آن گردید. با آغاز قرن ۱۹ هژمونی عینیت‌یافتگی تجربه در هم شکست و «تفهّم» به عنوان آلترناتیوی قدرتمند در برابر «تبیین» قرار گرفت. دیلتای^۱ متفکر و اندیشمند آلمانی صراحتاً می‌گوید: ((ما طبیعت را توضیح می‌دهیم [تبیین]؛ اما انسان را باید بفهمیم [تفهّم]). (پالمر، ۱۳۷۷ ص ۱۲۷) فهم اشاره به عملی است که در آن ذهن، ذهن شخص دیگری را درک می‌کند. به این ترتیب با توجه به موضوع و مفاهیم اصلی این تحقیق و تأکید مدل مفهومی بر ضرورت درک و فهم ذهنیت و لایه‌های زیرین نظرات پاسخگویان در باره <حق دسترسی شهروندان به اطلاعات> روش پژوهش کیفی در این تحقیق به عنوان روش برگزیده شد و از تحلیل محتوا و تفسیر از موقف‌گویان استفاده گردید. البته از تکنیک‌های کمی همچون مقایسه زوجی نیز جهت تدقیق نتایج استفاده شد.

سؤالات پژوهش عبارتند از:

- ۱- کدامیک از کنشگران، پرنفوذترین نقش را از دید مدیران شهری در دسترسی به اطلاعات بازی می‌کنند؟
 - ۲- از دید مسئولین، نقش قوانین در دسترسی شهروندان به اطلاعات تا چه میزان مؤثر است؟
 - ۳- نقش مسئولین در این فرآیند چیست؟
- این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد که نتایج آن می‌تواند به‌طور مستقیم در تعیین

عوامل مؤثر در برخورداری شهروندان از اطلاعات مورد نیاز به کار گرفته شود و راهکارهایی عملی برای بهبود آن ارائه نماید. در پژوهش حاضر هم به بُعد اکتشافی توجه شده است و هم به بُعد توصیفی. بدینسان تحقیق پیش رو دارای جنبه اکتشافی و توصیفی است.

در بعد توصیفی با استفاده از روش نمونه برداری خوشه‌ای با ۵ نفر از اعضای شورای شهر مشهد دو نفر از شهرداران مناطق و یک نفر از مدیران شهرداری مرکز مصاحبه‌ها انجام پذیرفت و از آنها خواسته شد تا مقایسه زوجی میان پارامترهای مختلف را انجام دهند.

همچنین در این پژوهش، محقق به دنبال دستیابی به پاسخ این پرسش که حقیقتاً چرا اطلاعات در دسترس شهروندان قرار نمی‌گیرد، در قالب یک شهروند معمولی اقدام به تقاضا برای اطلاعات نمود. مشخص است که در زمان مصاحبه و هنگامی که یک عضو شورای شهر و یک مقام بلند پایه شهرداری با پژوهشگر مواجه می‌شود و از ثبت سخنان خود مطمئن می‌گردد، پاسخهای خود را هدفمند ارائه می‌دهد. اما در هنگام مشاهده رفتار پرسنل، می‌توان رفتار واقعی ایشان را که تا حد زیادی نشأت گرفته از دیدگاههای مقامات بالایی است مورد بررسی قرار داد و با نتایج حاصل از مصاحبه تطبیق داده و جنبه عینیت یافته ذهنیات مدیران شهری را به بوته آزمون گذارد. پژوهشگر به عنوان یک شهروند که نیاز به اطلاعات را احساس نموده و در نهایت آن را تقاضا کرده است، خواهد دید که رفتار حقیقی مجموعه شهرداری در قبال در دسترس گذاشتن اطلاعات چگونه است. این مشاهده از نوع بدون ساخت و مشاهده گر، فعال بوده است.

نتایج حاصل از دو بعد مذکور، تبیین کننده نتایج حاصل از دو بعد مذکور، تبیین کننده رویکرد مدیران شهری مشهد در مورد وضعیت و عوامل مؤثر بر دسترسی شهروندان به اطلاعات خواهد بود.

۴- تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه روش تحلیل محتوا مد نظر قرار گرفته است. در تحلیل محتوا برای بررسیهای توصیفی هدف تبیین نیست و همبستگی متغیرها را مد نظر نداریم)) (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۵). علاوه بر این از ماتریسهای مقایسه زوجی^۱ نیز استفاده شده است که در جهت اولویت بندی موارد مؤثر بر عدم دسترسی شهروندان به اطلاعات از دید مدیران ارشد شهری صورت می‌گیرد. مسئله اصلی در هر طرح پژوهشی گزینش و تعریف مقوله‌هاست؛ فضایی که باید واحدهای محتوا در آن طبقه‌بندی شود. مقوله‌ها باید منعکس کننده اهداف پژوهش، جامع، مانع، مستقل و از اصول طبقه‌بندی واحدی مشتق شده باشند (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸). مهمترین اصل درباره مقولات این است که باید به قدر کافی مسئله پژوهشی را منعکس کنند. مقوله‌ها باید فراگیر بوده و هیچ عنصری از متن مورد تحلیل نتواند در دویا چند مقوله قرار گیرد. از این رو سعی شده است تا اظهار نظرهای مدیران شهری در مقوله‌های ۶ گانه طبقه‌بندی شود و هریک دریکی از مقولات جای گیرند. مقوله‌های این پژوهش از نوع ارزشی بوده و باید دید در جهت مثبت یا منفی به کار رفته‌اند. جدول ۱ این مقولات را نشان می‌دهد.

جدول ۱ مقولات مربوط به تحلیل محتوای نتایج تحقیق

متغیر مورد سنجش	مقولات
نیاز شهروندان	۱- کاربرد اطلاعات در زندگی روزمره ۲- منافع خاص ۳- منافع در اختیار گذاردن اطلاعات
نفاذی شهروندان	۱- وجود هزینه ۲- رفتارهای نامناسب مسئولین ۳- استفاده شهروند از ابزارهای تهیه شده بوسیله شهرداری و شورا ۴- پیگیری شهروند
تلاش مسئولین	۱- فعالیتهای عملی ۲- رویکردهای ذهنی
دید مسئولین	۱- مشارکت مردم ۲- کاهش بار مدیریت شهری ۳- فواید مشروعیت
اعتماد به شهروند	۱- سوء استفاده‌های احتمالی ۲- فیلترینگ شهروندان
حق شهروندی	۱- حلقه بندی اطلاعات ۲- وظیفه در قبال اشاعه اطلاعات ۳- وجود قانون ۴- نوع رابطه موجود میان شهروند و مدیران شهری

علاوه بر مقوله‌ها تحلیل گر باید واحدهای رمز گذاری را تعیین کند (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲). نخستین گزینش با واحد ثبت آغاز می‌شود؛ بخش خاصی از محتوا که با قرار گرفتن در مقوله ای معین مشخص می‌شود. واحد ثبت می‌تواند کلمه، موضوع، شخصیت، جمله ویا پاراگراف باشد. در این پژوهش واحد ثبت متغیرهای ۶ گانه هستند. این واحد در پژوهش‌های مربوط به تبلیغات، ارزشها و ایستارها و اعتقادات و نظایر آن ضروری است.

دیگر واحد مهم در تحلیل محتوا واحد زمینه است. طبقه‌بندی واحد ثبت بدون اشاره به زمینه ای که در آن ظاهر شده است ممکن نیست. مثلاً تنها بر اساس این که کلمه یا کلمه‌هایی که به موضوع ((نیاز شهروندان)) پرداخته‌اند به چه تعداد در متن تکرار گردیده‌اند، نمی‌توان ایستار گوینده را نسبت به موضوع مورد نظر استنباط کرد. در این پژوهش واحد زمینه، جمله است.

هدف از تحلیل ارزشیابی (ارزیابی) آن است که با تحلیل متن مورد بررسی بتوان به نوع گرایش و ارزش گذاریهای گوینده پی برد (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸). این کار باید به این صورت انجام شود که:

۱- واحدهای محتوایی و علائم زبانی (لغات و جملات و ...) که دارای بار ارزشی هستند شمرده

شده،

۲- جهت بار ارزشی آنها تعیین گردیده،

۳- و شدت بار ارزشی آنها تعیین شود.

در این نوع از تحلیل محتوا باید جملاتی که دارای چندین محتوا هستند به جملات تک محتوایی

تجزیه شوند. سپس جهت و شدت بار ارزشی هر یک از مفهومی‌های عامیانه و همچنین فعلی‌های به کار رفته را مشخص می‌کنیم. از جمله گسترده‌ترین راهی‌های استفاده شده در طبقه‌بندی جهت، مقیاس تفاضلی معنا شناختی هفت نقطه ای است که در آن جهت بار ارزشی به صورت مثبت یا منفی و شدت آن از صفر تا سه مشخص می‌شود (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۵ و ۱۹۴).

سؤالی که مطرح است آن است که در چه مواقعی برای بار ارزشی فعل یا یک مفهوم نمره ۳ یا کمتر در نظر گرفته می‌شود... بدین منظور این قاعده در نظر گرفته شده است که برای فعلی‌های زمان حال نمره ۳، قیدهایی نظیر بسیار، کم، خیلی، اندک، کمتر و ... معانی مثل تنفر، نفرت، سودمند و نمره ۲ در نظر گرفته می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷) فعلی‌هایی هم که رابطه فرضی بین موضوع و مفهوم ایجاد می‌کنند بار ارزشی معادل ۱ دارند. البته به این نکته نیز توجه شده است که جایگاه مصاحبه شونده سبب می‌شود تا او معمولاً با محافظه کاری پاسخ دهد و برخی قیده‌ها مثل احتمالاً، شاید و ... بیش از آنکه نشان از تردید داشته باشند مؤید نگرانی مصاحبه شونده از اظهار نظر صریح راجع به موضوع است. جدول ۲ شاخصی‌های مربوط به هر ایستار را نشان می‌دهد.

جدول ۲ ایستارها و شاخصی‌های به دست آمده در خصوص عوامل دسترسی به اطلاعات

ایستارها						شماره
اعتماد به شهروند	دید مثبت	نلاتش مسئولین	حق شهروندی	تقاضا	نیاز شهروند	
-۰.۶۶	۱.۲۵	۱.۱۱	-۱.۶۶	-۰.۱۶	۱.۱۶	۱
۱.۱۱	۲.۵	۲	۳	-۱.۵	۳	۲
۱.۷۷	۲.۰۸	۱.۶۶	۳	۳	۲.۳۳	۳
۲	۱.۱۶	-۰.۶۶	۲.۳۳	-۱.۳۳	۳	۴
-۰.۹۱	-۱	۲.۰۸	-۰.۸۳	۲	۳	۵
---	۲	۱.۶۶	۱.۷۵	-۱.۳۳	۱.۳۳	۶
-۱.۲۲	۲.۳۳	۲.۵	۲.۸۳	-۲	۲.۵	۷
-۱	۱.۷۷	۱.۲۵	۱.۳۳	-۱.۱۶	۱.۷۵	۸
-۰.۴۱	۱.۵۱	۱.۶۱	۱.۶۷	-۰.۳۱	۲.۰۹	میانگین شاخصها

فن مقایسه زوجی ابزاری کارآمد در جهت تحلیل داده‌هایی است که هدف از جمع‌آوری آنها رتبه‌بندی یکسری از متغیرها توسط افراد خاص به منظور تصمیم‌گیری است. در مقایسه زوجی هر متغیری با دیگر متغیرها دو به دو مقایسه شده و نتیجه حاصله در یک ماتریس قرار می‌گیرد. می‌توان داده حاصل از پرسشنامه‌های مربوطه را تحلیل نمود و متغیرها را رتبه‌بندی کرد. برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر دسترسی شهروندان به اطلاعات پرسشنامه ای برای مقایسه این عوامل طراحی شد و در اختیار مدیران مربوطه قرار گرفت. نتایج حاصله بوسیله نرم افزار اکسپرت چویس^۱ تحلیل گردید و جدول ۳ و شکل یک حاصل آمد.



شکل ۱: اولویت بندی عوامل بر اساس نظر مدیران شهری
 بدین ترتیب از نظر مسئولین شهری مهمترین عوامل مخدوش کننده دسترسی شهروندان به اطلاعات به ترتیب عبارتند از: ۱- عدم تقاضای شهروندان ۲- شهروندان اطلاعات را حق خود نمی‌دانند ۳- عدم تلاش مسئولین ۴- نبود دید مثبت در میان مدیران ۵- مسئولین اطلاعات را حق مردم نمی‌دانند ۶- عدم اعتماد آنها به مردم ۷- عدم نیاز شهروندان

جدول ۳ رتبه‌بندی عوامل مؤثر عدم دسترسی شهروندان به اطلاعات از دید مسئولین با کمک مقایسه زوجی

متغیرها	رتبه از دید مسئولین
عدم تقاضای شهروند	۱
عدم تلاش مسئولین	۲
نبود دید مثبت	۳
مسئول، اطلاعات را حق شهروند نمی‌داند	۴
عدم اعتماد مسئولین	۵
عدم نیاز شهروند	۶

۵- یافته‌ها و نتایج

مقایسه یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا با یافته‌های حاصل از مقایسه زوجی، نشانگر نکات مشترک و در عین حال اختلافات معنی داری است. درباره نیاز شهروندان به اطلاعات شاخص نگرش مسئولین محلی بسیار مثبت بوده که در مقایسه زوجی هم عدم نیاز مردم را به عنوان آخرین عامل در عدم دسترسی آنها به اطلاعات قلمداد کرده‌اند (جدول ۲ و ۳). از طرف دیگر گرایش اندکی منفی به تقاضای شهروندان نشان از این دارد که از دید مصاحبه شوندگان تقاضا در بین مردم آن طور که باید شکل نگرفته است که البته در مقایسه زوجی هم به عنوان عامل اصلی در عدم دسترسی به اطلاعات انتخاب شده است. در مورد اعتماد به شهروند میان داده‌های حاصل از مقایسه زوجی و تحلیل محتوا همخوانی دیده نمی‌شود. در مورد نبود دید مثبت و تلاش مسئولین در ارائه اطلاعات تقریباً نتایج یکسانی از تحلیل محتوا و مقایسه زوجی استخراج شده است.

برای تفسیر و فهم آنچه مصاحبه شوندگان اظهار داشته‌اند باید از افق دید آنها به مسئله نگاه کرد. تقریباً همه پاسخ‌دهندگان در این موضوع اتفاق نظر داشتند که اطلاعات به دو دسته باید تفکیک شود و بین اطلاعات مربوط به مایملک شهروندان و دیگر اطلاعات اساساً فرق می‌گذاشتند. می‌توان گفت که فقط آن دسته از اطلاعاتی را حق مسلم شهروند می‌دانستند که وی به آن (نیاز) داشته باشد یعنی الزامی قانونی به انتشار اطلاعاتی که شهروندان نیاز ندارند وجود ندارد. مسئله اصلی اینجاست که بخش عمده مصاحبه‌شوندگان تمایل داشتند فقط بخشی از اطلاعات را که به زعم آنان مفید بود و در زمره اطلاعات مربوط به ملک، ساخت و ساز و پروژه‌های شهرداری و مصوبات شورا خلاصه می‌شد در اختیار شهروندان قرار دهند.

موضوع دوم هم که به صورت مشترک تقریباً در همه اظهار نظرها وجود دارد، تأکید پاسخ‌دهندگان بر در اختیار قرار دادن اطلاعات برای مشارکت مردم است. مشخصاً منفعت مشارکت شهروندان برای مدیران شهری است گو اینکه ذینفع اصلی خود مردم هستند اما کاهش بار مسئولین و آسودگی آنها در اداره امور شهر را نیز در پی خواهد داشت. به نظر می‌آید از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان مشارکت مردم می‌تواند علت اصلی در دسترس قرار دادن اطلاعات باشد و نه محق بودن آنان و نیازشان. آنها مشارکت مردم را برای تسهیل در انجام کارها خواسته‌اند و نه حق آنها در تأثیرگذاری بر زندگی خود. به تعبیر دیگر، ایشان حق مردم در «مشارکت» را به رسمیت شناخته‌اند و نه حق مردم در «دانستن». این مسئله نیز در تعارض با یافته‌های حاصل از مقایسه زوجی و تحلیل محتوا (به روش مرسوم) است.

این در حالیست که قانونی برای الزام مسئولین، خواه در رده‌های بالا و خواه در رده‌های پایین به در دسترس گذاری اطلاعات وجود ندارد. در صورتی که مدیری نخواهد اطلاعات را در اختیار شهروندان قرار دهد هیچ راهی برای مطالبه آن وجود نخواهد داشت. بنابراین می‌توان گفت که قوانین و مقررات نتوانسته‌اند نقش مثبتی را در اشاعه اطلاعات در اختیار نهاد مدیریت شهری مشهود بازی کنند و حتی در پاره‌ای موارد همچون سدی در برابر آن قرار گرفته‌اند. در این شرایط نقش مسئولین در این میان بسیار پررنگ جلوه کرده‌است به طوری که چه در تحلیل محتوا و چه در مقایسه زوجی انجام شده توسط مدیران شهری، پارامترهای مربوط به مسئولین از جایگاه بالایی برخوردار

بوده اند. البته چون در حقیقت اطلاعات در اختیار مسئولین است و نحوه اشاعه آن را نیز خود تعیین می‌کنند، چندان دور از انتظار نیست که نقش و جایگاه آنها به مراتب مؤثرتر از شهروندان باشد. مسئولین می‌توانند به طرق مختلف بر دسترسی شهروندان به اطلاعات تأثیر گذارند. آنها می‌توانند به وسیله تصویبنامه‌ها و دستورات و تدوین مقررات برای زیرمجموعه خود نقش بسزایی را در بهبود وضعیت دسترسی به اطلاعات بازی کنند. از سوی دیگر معمولاً رفتار مدیران بر سایر افراد زیر دست تأثیر گذار می‌باشد. مسئولین می‌توانند به عنوان یک الگو برای کارمندان و مدیران رده پایینتر تلقی شده و از این طریق طریق ایده‌آلها و تفکرات خود را به ایشان القا نمایند.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۷) *تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری*، نشر نی، چاپ هشتم
- پالمز، ریچارد (۱۳۷۷) *علم هرمنوتیک: نظریه تائویل در فلسفه‌های شلایرماخر، دیلتای، هاییدگر، گادامر*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی - نشر هرمس
- دانایی فرد، حسن - الوانی، سید مهدی آذر، عادل (۱۳۸۳) *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*، نشر صفار
- دانایی فرد، حسن - الوانی، سید مهدی آذر، عادل (۱۳۸۳) *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*، نشر صفار
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲) *تکنیک‌های خاص در علوم اجتماعی*، نشر انتشار
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) *روش تحقیق در علوم اجتماعی: جلد اول، اصول و مبانی*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی چاپ هفتم
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰) *روش تحقیق در علوم اجتماعی: جلد دوم، بینشها و فنون*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- سکاران، اوما (۱۳۸۱) *روش تحقیق در مدیریت*، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۷۸) *شورای شهر یا شورای شهرداری؟ ماهنامه شهرداری‌ها*
- کاظمیان، غلامرضا و نوید سعیدی رضوانی (۱۳۸۳) *امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها (ج ۲)*، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
- واعظی، احمد (۱۳۸۰) *درآمدی بر هرمنوتیک*، مؤسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر
- هولستی، آل. آر (۱۳۷۳) *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالار زاده امیری، دانشگاه علامه طباطبایی
- Asociación por los Derechos Civiles (ADC) (2007), "Access to information: an instrumental right for empowerment"
- The Carter center (2006), "Access to Information: Building a Culture of Transparency Jamaica"
- ARTICLE 19, The Public's Right to Know (1999), "Principles on Freedom of Information Legislation"
- World Bank (2000), "Cities in Transition: World Bank Urban and Local Government Strategy"
- UNDP (1997), "Governance and Sustainable Development"
- The Audit Commission Corporate Governance (2003), "Improvement and trust in local public services"
- "Local Governance Forum (2002), "INTRODUCING GOOD LOCAL GOVERNANCE; The Indonesian Experience"
- UN HABITAT (2000), "The Global Campaign for Good Urban Governance"
- Transparency international & UN-HABITAT (2004), "Tools to support transparency in local governance"
- UN DESA DPADM (2004) "Transparency and accountability in the public sector in the Arab region", Concept Paper -4 Access to Information, Transparency and Accountability
- Transparency international sourcebook (2000)
- Transparency International (2006), "Using the Right to Information as an Anti-Corruption Tool"